رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

اسمای دعای کیمیای سعادت همین است خاصیت اول اینست اگر کسی در نیم شب آدینه برخیزد
و وضو کند و یکصد و پنجاه بار این کلمه را بخواند هر حاجتی که داشته باشد بر آید و اگر نه خواجه حسن بصری رح
فرموده است که فردا قیامت دامن گیر من باشد کلمه اول اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ
فَمَنْ یَّدْعُ الْعَبْدُ اِلَّا الرَّبُّ یَا رَبُّ خاصیت کلمه دوم را چهل بار بخواند دوم اینست
اگر کسی خواهد که عالم مسخر او بدست آید که کلمه دوم را چهل بار بخواند هفت روز بعد از نماز خفتن
با وضو خواند عالم مسخر او بدست آید و اگر نه سلطان بایزید بسطامی رح فرموده است اگر حاجت او
صاحبش نشود بار فردا قیامت دامن گیر من باشد کلمه اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوْقُ
فَمَنْ یَّدْعُ الْمَخْلُوْقُ اِلَّا الْخَالِقُ یَا رَبُّ خاصیت سیوم اگر کسی را دشمن قوی باشد
خواهد که بدست آید که این کلمه را هفت روز متواتر بخواند بعد از عصر که آن بدبخت [illegible]
که دشمن مقهور گردد و اگر نه سلطان فریدالدین ولید رح فرموده است فردا قیامت دامن گیر من باشد کلمه اینست
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الرَّازِقُ وَاَنَا فَمَنْ یَّدْعُ الْمَرْزُوْقُ اِلَّا الرَّازِقُ یَا رَبُّ
خاصیت چهارم اگر کسی خواهد که فلان کسی را دولت آید تا این کلمه را [illegible] بار بخواند بوقت
زوال که آن وقت نرفته باشد حاجت او بر آید و اگر نه سلطان العاشق قادر دینی رح فرموده است که

فردا قیامت

۱ در بیان [illegible]

۲ در بیان عالم مسخر [illegible]

المرزوق

۳ در بیان [illegible]

ف ۴ در بیان قتل دشمن [illegible]
فردای قیامت دشمن گریزان باشد کلمه اینست اللهم انت القاهر و انا المقهور فمن یرحم
المقهور الا القاهر یا رب خاصیت پنجم الکرسی اگر نحو رشته باشد باید که آنرا بحضور خود
ف ۵ در بیان [illegible]
بطلبید این کلمه را هفت بار بخواند بعد خدای تعالی کریم است که آن درد دفع شود انشاء الله تعالی سلطان
رنجیده را فرموده است کلمه اینست اللهم انت الباعث و انا المبعوث فمن یرحم المبعوث
الا الباعث یا رب خاصیت ششم الکرسی را در روی وجه قرار نهاده باشد این کلمه را هفت روز بنویسد آنرا
خورده به عزت کرم است که محبت بخشنده اگر نشود سلطان یوسف رح فرموده است که فردای قیامت دامن گیر
ف ۶ در بیان [illegible]
من باشد کلمه معظم اینست اللهم انت المالک و انا المملوک فمن یرحم المملوک الا
المالک یا رب خاصیت هفتم الکرسی را مخالفت باشد بسیار د بسیار [illegible] هفت بار
بعد آنرا خوردن دهد در میان ایشان صلاح و اخلاص شود و اگر نه امام زاهد رح فرموده
ف ۸ در بیان [illegible] مخالف باشد
که فردای قیامت دامن گیر من باشد کلمه معظم و مکرم اینست اللهم انت الغنی و انا
الفقیر فمن یرحم الفقیر الا الغنی یا رب خاصیت هشتم الکرسی را [illegible]
شده باشد باید که هم آن [illegible] آن بنویسد و در خفتنگاه بر آرد با وضو بخسپد آنچه احوال او باشد
ف ۷ در بیان [illegible]
همه در خواب به بیند ان شاء الله تعالی اسم معظم و مکرم اینست اللهم انت القوی و انا الضعیف
فمن یرحم الضعیف الا القوی یا رب خاصیت نهم الکرسی گوید خواهد که لقاء خدای تعالی
روزی شود با این کلمه مدت [illegible] روز هر روز [illegible] بار بخواند بعد از عشاء خدای تعالی

کریم است لقاء باری تعالی روز بیند و اگرنه امام المسلمین امام اعظم رح فرموده است
که فردای قیامت دامن کرم من باشد اسم معظم است مکرم اللهم انت القیوم وانا ٩
الذلیل فمن یرحم الذلیل الا القیوم یا رب خاصیت دهم اگر کسی فهم
علم نباشد باید این کلمه را روز یکشنبه بر دست بنویسد تا روز تمام شود دست را بر زبان مالیده
بخورد خدای تعالی کریم است که فهم او را نیک تمام شود و اگرنه خواجه امام حسن فرموده است که فردای
قیامت دامن کرم من باشد اسم معظم و مکرم است اللهم انت الغفور وانا المذ ١٠
نب ~~الا الغفور~~ فمن یرحم المذنب الا الغفور یا رب
خاصیت یازدهم اگر کسی عنینی شده باشد مرد [illegible] باشد کلمه را چهل روز بنویسد
آن را بخورد بدهد خدای تعالی کریم که مرد کامل شود و اگرنه سلطان [illegible] فرموده است که فردای ١١
روز قیامت دامن کرم من باشد کلمه معظم و مکرم است اللهم انت العفو وانا
المسیئ فمن یرحم المسیئ الا العفو یا رب خاصیت دوازدهم
اگر کسی را زحمت [illegible] باشد باید که این کلمه را بنویسد [illegible] و بند [illegible] بخورد بدهد
و نان صدقه دهد خدای تعالی کریم است صحت دهد و اگرنه مخدوم جهانیان فرموده است ١٢
که فردای قیامت دامن کرم من باشد کلمه معظم و مکرم است اللهم انت الرحیم
وانا الخاطی الا الرحیم یا رب خاصیت سیزدهم اگر کسی را
فمن یرحم الخاطی

هر کس [illegible]

مرکب باشد باید که این کلمه را بخواند روز چهارشنبه یک بار زیر بالت به بندد دوایم بر بازو بریت ببندد
خدای تعالی کریم است که صحت به بخشد واگرنه مخدوم شیخ جلال الدین بخاری رح فرموده است که فردا می
گیر ما باشد کلمه معظم و مکرم نیست اللهم انت الدیان وانا الدائن یا رب خاصیت
چهاردهم اگر کسی را لوط باشد باید که روز شنبه غروب شدن آفتاب این کلمه هفتاد بار بر قند بخواند
آن قند را بخورد هفت غلوله سازد هر روز یکان یکان بخورد خدای تعالی کریم است که صحت یابد و
اگرنه حضرت شیخ فرید و سلطان المشایخ بهاء الدین فرموده است که فردا قیامت دامن گیر ما باشد
اسم معظم و مکرم نیست اللهم انت المغیث وانا المستغیث الا المغیث یا رب
خاصیت پانزدهم اگر کسی را [illegible] گرفته باشد و هر کو پیروز نیابد این کلمه را بخواند و کلید او به بندد
خدای کریم است که [illegible] اگرنه [illegible] رابعه عدویه فرموده است که فردا قیامت دامن
گیر ما باشد کلمه معظم و مکرم نیست اللهم المجیب وانا المستجیب فمن یدع ا
لمجیب المستجیب الا المجیب یا رب خاصیت شانزدهم اگر کسی را پادشاه
قهر شده باشد این کلمه را بخواند و دستار خود به بندد و پیش آن برود خدای تعالی کریم است
که مهربان شود واگرنه علی مرتضی کرم الله وجهه فرموده است که فردا قیامت دامن گیر ما باشد
کلمه معظم و مکرم نیست اللهم انت المجیب وانا الداعی فمن یدعو
الداعی الا المجیب یا رب خاصیت هفدهم اگر کسی را کفتار خورده باشد
هر کس خلاص شود باید که این اسم را بخواند [illegible] خدای کریم است که صحت دهد

فصل ۱۵ انت

فصل ۱۶

واگر نه سلطان شیخ بهاء الدین فرموده است فردا قیامت دامن گیر من باشد این اسم معظم و ۱۷
مکرم است اللهم انت العزیز و انا الذلیل فمن للذلیل
الا العزیز یا رب خاصیت هژدهم برای ملاقی شدن دیو
و بنام الیاس بوقت مغرب این اسم چهل بار بخواند خدای تعالی کریم است که آن
دیوان پیش تو آیند و بگویند صورت که باشند و دیگر آن صورت کنند و آیند
و بگویند که مرا طلبیده آید در طلب تو آمده ایم و خواهند هیچ جواب در کلام با ایشان
با ایشان نکنند تا ایشان نگویند که برای خدای تعالی و دوستی محمد الرسول الله صلعم سخن
کلام کن آنچه خواهنده را مقصود در دل باشد با وی بگوید غرض حاصل شود واگر نه
شیخ المشایخ شیخ بهاء الدین رح فرموده است که فردا قیامت دامن گیر من باشد کلمه
معظم و مکرم است اللهم انت المعطی و انا السائل فمن یدعو ۱۸
السائل الا المعطی یا رب خاصیت نوزدهم اگر کسی خواهد که با دیوان
ملاقات کند تا وقت زوال بیرون آید یک بار آب دست کرده آن کند چهل روز دعوت
کند خدای تعالی کریم است که دیوان و پریان پیش آنکس بیایند و چندان فیل با اشباه بیایند با وی کلام کنند
و خواهند هیچ سخن با ایشان و چون آفات مثل آدمی شده با وی کلام کنند آنچه مقصود در دل باشد با
وی بگوید غرض حاصل شود واگر نه سلطان علم الدین فرموده است فردا قیامت دامن گیر من باشد
کلمه معظم و مکرم است اللهم انت المفرج و انا المغموم فمن یفرج المغموم ۱۹
الا المفرج یا رب خاصیت بیستم اگر کسی را زحمت گرفتار شده باشد این کلمه را ملک

را غوان

فصل ۳۰ در بیان خاصیت [illegible]

در شعران بخواند سه روز خود و نهد خدای تعالی کریم است که او را از رحمت دفع شود و اگر نه سلطان شیخ العالم
فرموده است اگر او در صحبت بنشود با فرو واقعات در این کریم باشد کلمه معظم و مکرم این است اللهم انت ا
لمنجی و انا الغریق فمن یدع الغریق الا المنجی یا رب خاصیت بیستم
اگر کسی را خبر رسیده باشد و هیچ فایده نکند تا این کلمه را بخواند خود رهد و چندان بار این دعا تمام بخواند

فصل ۳۱ در بیان خاصیت [illegible]

و هم کنند خدای تعالی کریم که او را صحت بخشد کلمه معظم و مکرم این است اللهم انت الغفار و انا
المتضرع فمن یدع المتضرع الا الغفار یا رب خاصیت بیست و یکم اگر
کسی خواهد که دیوان و پریان بر در مسخر شوند تا این کلمه را بخوانند تا چهل روز از زمین جنبش مرتعش
شود اول علامات با اسباب سواران بیاید و غوغا دیگر کنند خواننده هیچ در دل ترس نکند و بر خود
هیچ پریشانی نکند و نه ترسد این مقدار یکبار و بعد از آن چهل روز در راه بخواند که کند رکاه سلطان
درگاه فرمان باشد و کلید خیمه‌ها نصب کند از منزل این چنین نوبت اول فیلان پیدا شوند با نثار زر
فریاد کنند و خواننده نترسد از رنج این ایشان خدای تعالی کریم است که جامه رنگین دولت آید
باز این چار یکبار دو منزل سیم در بیابان آیین کلمه را بخواند تا چهل روز در خانه باز گشته و در خانه آید یک
خروس شش ساله بگیرد او را جامه معصفر بپوشاند بعد از آن قند بگیرد و آن قند غلوله سازد
و آن غلوله کرده بیرون رود یک آدینه مس پر آب کرده بگیرد بر آن این کلمه را بخواند تا آخر آنچه
نزد خداوند مشغول در گفت و حاجت نه هم بسیم مرتبه شوند خدای تعالی کریم که مقصود دل خواننده

فصل ۳۲ در بیان خاصیت [illegible] در علاج [illegible]

حاصل شود و اگر نه سلطان العارفین فرموده است که فرو واقعات در این کریم باشد اسم معظم و
مکرم این است اللهم انت الذی فی سمعه آه المریض فمن یدعی المریض الا ان غفر

یا رب حاجت بیست و سیم اگر کسی را درد شکم باشد این کلمه را بنویسد و در آب حل کرده بخورد خدای تعالی کریم است او را صحت شود
اگر نه ابو علی سینا فرموده است که فردا قیامت دامن گیر من باشد این اسم معظم مکرم این است **اللهم انت الباسط و انا المبسوط**
فمن یدعو المبسوط الا الباسط یا رب حاجت بیست و چهارم اگر کسی را غیبت میکنند و بر کسی باز [illegible] آید
باید که این کلمه را هفت روز متواتر بخواند هزار بار در گوشه خانه او [illegible] خدای تعالی کریم است غیبت کننده
باز آید و زبان او بسته گردد و اگر نه مولانا علی می فرموده است که فردا قیامت دامن گیر من باشد این اسم معظم و
مکرم است **اللهم انت الرحمن یا رب** حاجت بیست و پنجم اگر کسی خواهد که فلان کس کور [illegible] سازم این
کلمه را هشتاد بار بخواند به نیت کور [illegible] آن کس خدای تعالی کریم است چشم آن بنده کور شود کلمه این است
اللهم انت البصیر و انا الاعمی فمن یمدح الاعمی الا البصیر یا رب حاجت بیست
و ششم اگر کسی داند که دشمن قوی است و من ضعیفم و هرگز در صلاح نمی آید باید که این کلمه را یک لک بار بخواند خدای تعالی
کریم است که دشمن آن کس ضعیف گردد و اگر نه خواجه نور الدین می فرموده است که فردا دامن گیر من باشد کلمه معظم مکرم این
اللهم انت الحافظ و انا المحفوظ فمن یدعو المحفوظ الا الحافظ یا رب حاجت بیست
و هفتم اگر کسی خواهد که صفت انبیاء شوم [illegible] جمعه این کلمه را هزار بار بخواند با وضو خدای تعالی کریم است که او را صفت
انبیاء گرداند و اگر نه سلطان جلال الدین رحمة الله علیه فرموده است که فردا قیامت دامن گیر من باشد این اسم معظم و مکرم است
اللهم انت الفتاح و انا المفتوح فمن یدعو المفتوح الا الفتاح یا رب
حاجت بیست و هشتم اگر کسی را خواهد که دشمن را مطیع فرمان بردار کند باید این کلمه را هزار بار بخواند بر خاک
زیر پای آن کس خدای تعالی کریم است که آن دشمن زیر پای وی شود کلمه معظم مکرم این است **اللهم انت العالم**
و انا الغافل فمن یدعو الغافل الا العالم یا رب حاجت بیست و نهم بروایت سلطان محمود
فرموده است که فردا قیامت [illegible] و عاصی شویم و معصیت نکنند باید این کلمه را بخواند خدای تعالی
که آن بنده در انتظار رحمت [illegible] و اگر نه فردا قیامت [illegible] باشد کلمه معظم مکرم این است **اللهم انت ا**

دامن

فصل ۳۴ در بیان [illegible]
فصل ۳۵ در بیان [illegible]
فصل ۳۶ در بیان [illegible]
فصل ۳۷ در بیان [illegible]
فصل ۳۸ در بیان [illegible]
فصل ۳۹ [illegible]

الحق و انا الباطل فمن یرحم الباطل الا الحق یا رب خاصیت کلمه سیم اگر کسی را
رزق تنگ شده باشد و فراخ نشود تا این کلمه را هفتاد بار بخواند وقت بر آمدن آفتاب صورت جمیل بود خدایتعالی
کریم است که رزق آن بنده را کشاده گرداند و اگر نه سلطان کریم الدین فرموده است فردا قیامت دامن گیر من باشد کلمه
معظم مکرم اینست اللهم انت المعبود و انا العابد فمن یرحم العابد الا المعبود یا رب
خاصیت کلمه چهارم اگر کسی را در میان مردم رزق اخلاص نباشد بوالسته که این کلمه را هفتاد بار بخواند بر نان دمیده هر
که آن نان را بخورد [illegible] خدایتعالی در میان ایشان اخلاص پیدا شود [illegible] آید و اگر این
کار نکرده [illegible] است و اگر نه فردا قیامت [illegible] باشد [illegible] کلمه معظم مکرم
اللهم انت العادل و انا المظلوم فمن یرحم المظلوم الا العادل یا رب خاصیت پنجم
اگر کسی را رزق تنگ شده باشد این کلمه را هزار بار بخواند [illegible] خدایتعالی کریم است که آن بنده را رزق کشاده گرداند
بی نیاز شود کلمه معظم و مکرم اینست اللهم انت الغنی و انا المعدوم فمن یرحم المعدوم الا الغنی
یا رب خاصیت کلمه ششم اگر کسی را در میان [illegible] هلاک کرده است و عاجز شده باشد این کلمه را هفتاد
بخواند و هفت قدم بهر طرف [illegible] خدایتعالی کریم است که رزق آن بنده را از غیب برساند کلمه معظم مکرم اینست
اللهم انت المقاسم و انا المقسوم فمن یرحم المقسوم الا المقاسم
یا رب خاصیت هفتم اگر کسی خواهد که مرا فردا قیامت [illegible] برساند تا این کلمه
هر روز هزار بار بخواند خدایتعالی کریم است که آن بنده را رحمت و شفقت کند که آن بنده را در جهان
گرفتار نگردد و عذاب نشود و اگر نه امیر المومنین امام حسن فرموده است که فردا قیامت دامن
گیر من باشد کلمه معظم و مکرم اینست اللهم انت الهادی و انا المتحیر فمن یرحم
المتحیر الا الهادی یا رب خاصیت کلمه هشتم اگر کسی در وزن گرفتار شده
باشد تا این کلمه را هفتاد بار بخواند خدایتعالی کریم است که آن بنده را از حرف [illegible] المن

فایده در بیان [illegible]
فایده در بیان [illegible]
فایده در بیان [illegible]
فایده در بیان [illegible]
فایده در بیان [illegible]

و خلاص شود کلمه معظم مکرم یا رب اللهم انت الظاهر و انا المظهور فمن یدعو
المظهور الا الظاهر یا رب خاصیت این حرف ۳ سیم اگر کسی را عورت حمل
قرار نگیرد و خام رود این کلمه را نوشته در گلو بندد خدا تعالی کریم است که حمل قرار گیرد و
کامل گردد کلمه معظم و مکرم یا رب اللهم انت المحیی و انا الممیت فمن یدعو
الممیت الا المحیی یا رب خاصیت سه هفتم اگر کسی عورت را زنگی شده باشد
بیرون نمی رود این کلمه را نوشته یکی در گلوی او بندد دیگری را خورد به خدا تعالی کرم
کند نیز گردد و فرزند نرینه شود کلمه معظم مکرم یا رب اللهم انت الجبار فمن یدعو
المتجبر الا الجبار یا رب خاصیت کلمه سه هشتم اگر کسی خواهد که دختر شود
و فرزند نرینه روزی شود این کلمه را نوشته در گلوی آن عورت بندد مدت چهار ماه چون عورت را
رسته بندد آن حمل قرار گیرد که ناف افتد به کرم الله تعالی باید که رنگ سیاه و کافر گردد
نعوذ بالله منها کلمه معظم مکرم یا رب اللهم انت الشاهد و انا المشهود
فمن یدعو المشهود الا الشاهد یا رب خاصیت سه نهم اگر کسی را
قرض دادنی باشد و ادا نمی شود قرض خلاص نشود این کلمه را هفت بار بخواند بعد از عشاء
خدا تعالی کریم است که آن بنده را از قرض خلاص می دهد کلمه معظم مکرم یا رب اللهم
انت الخالص و انا المخلص فمن یدعو المخلص الا الخالص یا رب

وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللّٰهَ وَيَتَّقْهِ فَاُولٰئِكَ
هُمُ الْفَائِزُونَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ
الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللّٰهُ قَدِيْرٌ
مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ
یارب دندان وزبان فلانرا کویا بمہر منکن بہر دوستی خود بحق لَقَدْ شَغَفَهَا
حُبًّا اِنَّا لَنَرٰىهَا فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ قَالُوْا تَاللّٰهِ تَفْتَؤُا
تَذْكُرُ يُوْسُفَ حَتّٰى تَكُوْنَ حَرَضًا اَوْ تَكُوْنَ مِنَ
الْهٰلِكِيْنَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمِيْنَ اِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ صِرَاطَ الَّذِيْنَ یارب بہر دوست و
سینه فلانرا مہر منکن بہر دوستی خود بحق فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ
اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيْظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ

اَلهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْاَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَ
كَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِيْنَ بحق كهيعص و
طس وص وحم عسق ون والقلم كرفتم دل وجان وهفت اندام فلانرا بهر
دوستي خود بحق وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّيْ وَلِتُصْنَعَ عَلٰى
عَيْنِيْ اِذْ تَمْشِيْ اُخْتُكَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَنْ
يَّكْفُلُهٗ فَرَجَعْنٰكَ اِلٰى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا
تَحْزَنَ اَللّٰهُمَّ بحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل يارب بحق توريت موسي وانجيل عيسي وزبور داود وفرقان
محمد صلى الله عليه وآله وسلم اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ كرفتم دل وجان هفت اندام
فلانرا خواهان من كن بهر دوستي خود بحق آدم وحوا وهابيل وشيث وادريس و
نوح وابراهيم واسمعيل واسحاق ويعقوب ويونس وهود وشعيب وموسي و
هارون وخضر والياس وذو القرنين وارميان ودانيال وحسن وحسين و
محمد مصطفى صلى الله عليه والسلام اجمعين يارب مهربان كردان فلانرا برمن
بحق

بحق آیات مکتوبات از اول تا آخر و بحق یا معشر الجن والانس
ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
ای فرشتگان بزبان بشنوید که غدار من مطیع باشید بهر وسیی در فلان بحرمت کلام الله
که شمارا شفیع آورده‌ام برای دل و جان و هفت اندام فلان را بهر وسیی خود بحق قل
ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر
لکم ذنوبکم والله غفور رحیم لو انفقت ما فی
الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف
بینهم انه عزیز حکیم ومن الناس من یتخذ
من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله
والذین آمنوا اشد حبا لله ط ولو یری الذین
ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا
وان الله شدید العذاب ط که زنم دل و جان و هفت اندام

فلانرا الٰهی بهر دوستی خو بحق جمیع پیغمبران که اول ایشان آدم صفی الله و آخر ایشان محمد
مُصْطَفٰے صلی الله علیه وسلم غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ یا رب یا رب
فلانرا نجات منز روا کن بهر دوستی خو بحق فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ
الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ اِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُو
فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ الرَّحِيمٌ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
مِنَ النِّسَاۤءِ وَالْبَنِيْنَ وَالْقَنَاطِيْرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْاَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذٰلِكَ
مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهٗ حُسْنُ الْمَاٰبِ
لَقَدْ جَاۤءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ
مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ
الرَّحِيْمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

وَاللّٰهُ

وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُونَ وَلَا الضَّالِّینَ

کرفتم بیصد وشصت رک و بجهل وچهار پاره استخوان بعشق ومحبت

فلان بن فلان بنام خدای عزوجل وبنام محمد صلی الله علیه وسلم وآله و

باب

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله وبحق ارحم الراحمین در بیان دفع سحر

جادو اگر کسی را در جادو بنیاد کرده باشد در روز یکشنبه نام اصحاب کهف بر کاغذ حریر بمشک زعفران

بنویسد در کردن خروسی بندد و بگذارد بر جایی که سحر مدفون باشد خروس منقار زند انجا پیدا شود

دیگر سوره شعرا بر کاغذ سفید حریر بنویسد بر کردن خروسی ببندد بر جایی که منقار زند کنج نوبه نوبه کش

شود ایضا دفع سحر وجادو این آیت بنویسد وبدان آب غسل دهد ویکی در گلوی او بندد ودیگری

نوشته خود دارند آیت فالقی السحرة ساجدین قالوا امنا برب العالمین رب موسی

وهارون قال آمنتم له قبل ان اذن لکم انه لکبیرکم الذی علمکم السحر فلسوف

تعلمون رد کردم وباطل کردم سحر ساحران را ومکر ماکران وجادو جادوگران واز بر کف بند ود

سفید ودندان دعوی الشیه ودیگر وغیره بحق لا اله الا الله محمد الرسول الله ایضا این عزیمت بنویسد

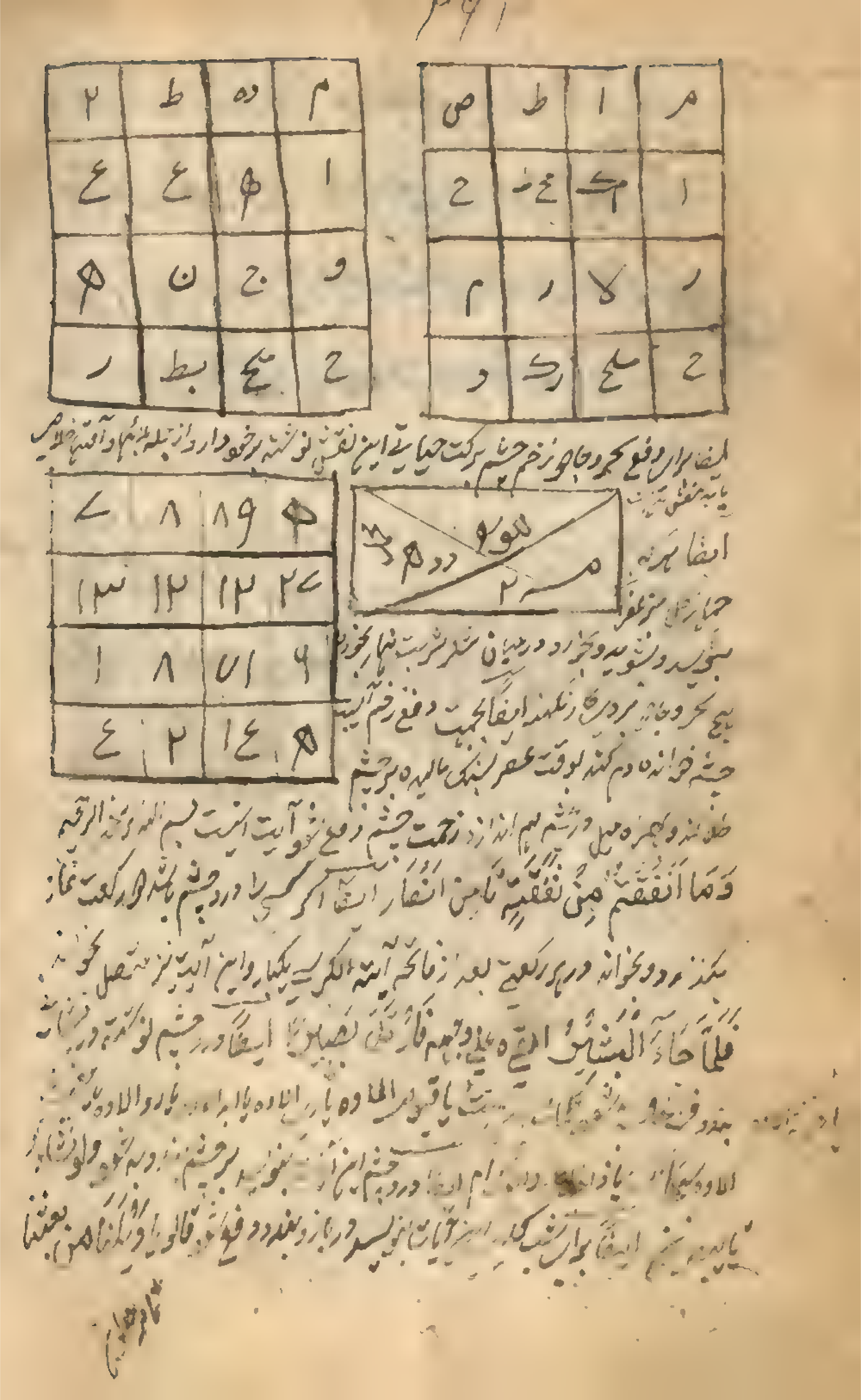
بر دو وارد از سحر ایمن کردد بسم الله الرحمن الرحیم یشفیک من کل داء یو ذیک من شر

نفس ومن عین العین والله یشفیک حق کهیعص حم عسق بسم الله الرحمن الرحیم الهی اسئلک

یا من کان یسمی الکفی ولا یکفی منک شیء الکفی یا واحد الباقی اول کل شیء و آخره یا احد یا الله یا الله یا الله

یا الله یا الله حجح حجح حجح حجح حجح حجح حجح حجح حجح حجح ایضا جادو جشم زخم

وجمله آفتها در کشتن بر دارد نقش این است



۲	ط	ده	م
ع	ع	ه	ا
ه	ن	ج	و
ر	بط	مج	ح

ص	ط	ا	م
ح	مج	اک	ا
م	ر	لا	ر
د	رک	مح	ح

ایضا از دفع بحمود جاجو زخم چشم برکت جیابه این نقش نوشته رخود دارد از جمله بهاد و آفتها خلاص

یابد نقش این است

۷	۸	۸۹	ه
۱۳	۱۲	۱۲	۲۷
۱	۸	۷۱	۶
٤	۲	۱٤	ه

ایضا بجهة

جماع ... مزلغور

ببیند و بنویسید و بخورد و در میان شکر شربت ناهار بخورد

بیج بخور ... زخم ... ایضا جهت دفع زخم آیت

چشم خوانده دم کند بوقت عصر ... برچشم

... زحمت چشم دفع شود آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم

وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ ... مِنْ أَنصَارٍ ... اگر کسی را درد چشم باشد او رکعت نماز

بکند و در بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و این آیه ... متصل بخواند

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ایضا درد چشم نوشته در ...

... یا قیوم المادة یا ... یا ... ولاده

... ولد ... درد چشم این ... بنویسد بر چشم ... و ... ولو ...

... ایضا بجهة ... این آیات بنویسد ... فی ... قالوا ... من بعثنا

تمام

تا مرسلون ایضا برای درد چشم سوره الم نشرح خوانده دم کند و [illegible] این آیت را بخوانند [illegible] به چشم
و لنشفقنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید و [illegible] گر بینه هذا الذی [illegible]
فی جنجمر [illegible] این آیت نیز بخوانند و ننزل من القرآن تا آخر ایضا این [illegible]
بار بخوانند [illegible] و آخر درود بخوانند بر چشم دم کند درد به گردد بر قمر [illegible] بر قمر ایضا [illegible]
ایضا بعد از نماز فجر [illegible] بار بخوانند در انگشتان دم کند در چشم ها از جمله [illegible] چشم ایمن گردد
و [illegible] درود بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یا سمیع یا بصیر یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا
لطیف لما یشاء واحفظ علی بصری ان الله علی کل شیء قدیر ایضا [illegible]
بامداد پنج بار این آیت بخوانند الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة [illegible] والله غالب
علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
بخوانند [illegible] بر چشم [illegible] ایضا که بعد از فجر [illegible] بار [illegible]
[illegible] چشم را دم کند [illegible] درد چشم و [illegible] ایضا برای درد چشم یکصد [illegible] بار وقت
غروب آفتاب این کلمات بخوانند [illegible] چشم [illegible] روز [illegible] النجا ملجا انت [illegible]
ما فی قلوبهم ملجا برحمتک یا ارحم الراحمین
ایضا برای زخم چشم یکی [illegible]

باب در بیان درد دندان و درد [illegible]
نوشته [illegible] درد دفع شود با تسمیه بنویسد
کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا
اذ نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن
العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم
اکن بدعائک رب شقیا [illegible]

٣٩ع	٤٢	٢٤	٥٩٣
٣٠٢	٩٨	٢٠٦	٤٩٧
[illegible] ٤	٧١٧	٤٥٧	[illegible]
٤٩٨	٤٢٠	٩	[illegible]
١٢٢٢	٩٦٣	[illegible]	[illegible]

درد سر فعالیت که درد سر کند و خوب این آیت با تسمیه نوشته بندد الله نور السموات والارض مثل نوره
کمشکوة لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم ان آیت الله نور السموات تا آخر نویسد
تمام شود. قد سمع الله افلح امت بحمد گوراه نوشته بندد درد کرونیت دفع کرده این آیت در روز
یکشنبه بامدادی بنویسد بر زنند درد دفع کرده آیت آیت تسمیه نوشته بندد ولا تحلقوا رؤسکم حتی
یبلغ الهدی محله فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من
صیام او صدقة او نسک قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا به
کیدا فجعلناهم الاخسرین بحق آهیا شراهیا بستم درد سر و درد شقیقه فلان بن
فلان. ایضا سوره ... شود که درد دفع شود ایضا این حروف انگشت با سبابه ...
کند ساسا ها ایضا ... هفت بار بر آب بخواند و بر سر مالد و هم خواند دم کند درد دفع
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله المنتهی من اعتصم بالله نجی اگر
روز ... کند ... شود ایضا برای درد شقیقه این دعا در محل درد بندد بسم الله شافی بسم الله کافی
بسم الله معافی بسم الله ... آسمان بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی
السماء وهو السمیع العلیم ایضا برای درد سر و درد دندان و درد چشم و درد گوش این کلمات
دست ... هفت بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم لا اله
الا الله ... اسکن باذن الله ربی و ربک الله العزیز الحکیم ایضا از رحمت ... باید که
... فاتحه با تسمیه ... بار بخواند و ... صحت باید آزموده است ایضا ... بنویسد
در محل درد سر و درد شقیقه نوشته بندد دفع شود اک ٩ ٩ ٥ ٦ ... ١١ ٨ ...
١١٩٩٦٢٤ ... ٢١٥ ٩١٦٣١٢١٦٦ طعم ... ایضا برای درد دندان به
ستمتا پنج وقت نماز ... روز ... گانه و چهار قل بخواند از درد ایمن گردد
ایضا درد دندان بر زبان بنویسد بنش رنگ سیاه از درد دندان دفع گردد ...
ایضا بنویسد بر زبان پارچه پران الاهی بحرمت
ابابکر صدیق بنویسد زیر دندان بدارد دفع گردد ... ١٥ اع ٥ ا عدد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥١

ایضا این دعا بنویسد زیر دندان بنهد درد دندان دفع کردد بسم الله الرحمن الرحیم یا
السنا الفرس والمقدس اسکن بقدرة الله القل دمن بحرمت عثمان بن عفان ایضا
دفع درد دندان باشمه یا شمعون اگر درد دندان زیر باشد اگر درد دندان بالا باشد یا شمعونا
بنویسد و بر درخت یا بالستون نهد اول در حلقه میم میخ آهن زند و سوره فاتحه و آیة الکرسی
و ننزل من القرآن بخواند دم کند اگر نیکو نشود میخ در حلقه عین زند و بخواند و در حلقه واو
زند به شود ایضا دفع درد دندان بود بدین شکل چهار میخ آهن تیز زند به شود ابجد
با سب و بیان کفتار بسیار و سفال نو و آن این نقش بنویسد و در راه کذر کفتار بدارد خود پنهان بوده
باشد به بیند که کفتار باشد پیش سجده کند نقش بزرگ واربت

ایضا دفع کفتار
دلو و پری این آیت
بنویسد خود پنهان دهد
بسم الله الرحمن الرحیم
ولا یفلح الساحر
حیث اتی فالقی السحرة سجدین
قالوا آمنا برب العالمین رب موسی
وهارون وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

و	سبح	ح	الهی
ل	ما	و	ی
ول	ما	ح	ر
ـ	ح	د	عو

ا	هو اله	ی
س	لا	رغار

ایضا دفع نقره علاجیت در آنکه بعضی را در شکم باشد و بعضی را چشم پیش کند و دو ... و دیگر آهن تیز بر بینی در
بینی چشم چنانچه چشم نکرد اید و ورت و بار یک کند به غلو چشم شود نجا بنهد
خار پشت او را کلام بقر ورت نشان نهند و قدری پلپل کرد مهمان کرده در
بینی و چشم او دمند بعده یکبار دکه دخته او از آهن باشد ورت بکیرد و

و تیز کارد بسوی او کند نزدیک چشمانش برود و ۳ بار این بخواند بر کارد دم کند بدان کارد خطی چند در
بر زمین کشد و میان خط کارد فرو برد چنانکه از ۳ انگشت سر کارد در زمین رود و کارد
ایستاده بماند و بگوید بزرم بر جگر گفتار تحقیقه گفتار در دیده تا کارد چند کور از انجا بکند
و درد گم دفع گردد دعا این است بسم الله بخواند لمعجابت بخلاو قربشط نبلی و
ذکرت جبرئیل بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین بر جگر گفتار دیگر این
بر گفتار زده بخواند حاضر آید این است اذ قالت امرأة عمران تا انک السمیع العلیم
ایضا اگر این آیت گرفته گفتار بد مرد در سخن آید و هم با خود رود حکایت کند این است
انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی اهیا شراهیا بحق ایاک نعبد و ایاک
نستعین ایضا دیگر بیارد برگ برنج دیگان یکان نام هر یکی بر نویسد و بسوزد چون نام دزد او بسوزد تکلم گردد بتوفیق
الله تعالی دزد یافته شود این است والسارق والسارقة فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله وافوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد خوش بحق کهیعص باب در بیان رحمتی زهر مار انجات
چو مار کسی را بگزد بعضی گوید   همان عضو که مار بگزیده   چو جای بریدن نباشد دوان   ببندد آن عضو بار ریسمان
کلک مرغ بر کرده نشتر زند   بکردد حجام خون بر کشند   از پر کاله پنبه کوی نیه کنند   سوزنکم ازان جا نهد
بجا مرغ بکوید مشی آن زمان   به مار از عود کن نکو بدان   درم پنج از فلفل گرد آر   ساده یک پر روغن در آر
بوقت گزیدن بحلقش در آر   نشنه بر عقل زهر مار   شتاب در برنج بر حسب حال   بوقت گزیدن به نیش عمال
نماند نشان زهر گزدم و مار   بحال فرا فراجات انجام کار   یقین دان که از زهر کجدم معاف   بدین قول ار کژ نداند خلاف
ایضا اگر کسی مار گزیده باشد بر کاله چوبی نوشته بخواند دار گزیده حاضر نباشد تا خبر دهنده را بخوراند خیریت گردد
انه مراد نقط حجه ترجح فلو این است   اگر کسی مار گزیده باشد که او حاضر نباشد تا خبر دهنده را
بخوراند این است

د	له	به	ا
ط	و	د	ص
ه	سی	ی	حح
لو	و	یح	ل

دیگر مار گزیده باشد و در گلو سم
چو باشد که عرق منقش باشد خود در
بدهد این است باعد هو
بعابث تو جهو جالیبو
جا

د	ر	ه	ا
ط	ر	و	ر
لا	س	سه	حح
ر	ولا	یع	وح

جناحلوغه اوترا اورکی الریک دریب یکت پاره مزن الیر باجلیلت کورنا ایضا
برای نظر درکلو بند نقشی معظم و مکرم ایدیت ایضا برای نظر کوزندیه ایدیت نور السموات تحفوف
ویعطوق تحت شبد لاحول ولا قوة تا آخر عظیم

یا شفیع	یا شفیع	یا شفیع
یا شفیع	یا شفیع	یا شفیع
حد اسعود تقدیر یا	٥٥٥٥ ٥	لو لو لو لو لو
یا الله یا سلی	دم جرصع دفع	[illegible]

ایضا اگر کیمه او غنی کیلار حر برداین تعویز نوشته درکلو جاییه بند بسم الله الرحمن الرحیم ایت در بنی مشارینی سنده بنم هلم یا دایه جره جوهتی یوه موقی عندر بنه درکون کیمه رحمتک یا ارحم الراحمین ایضا اگر ایت تعویز نو لیه درکلو جاییه بند کهاری روغن یا برون نتواند نقش ایدیت

هـ	بر	ده	ا
بس	هـ	ر	ده
بس	هـ	ر	ده
بس	قا	ر	ده

اگر کیمه او غنی کیلار حر برداین تعویز نو لیه درکلو ویکی قرماد جاییه بند روغن بسیار شود نقش ایدیت

ایضا دفع سحر بکه درکلو جاییه بند ساحران کاذبکنک بسم الله الرحمن الرحیم
ویمعون ام لوتحسوق الذین ویبصرون از لسول ام هلی بر دایا بلا ٢

حادر	بر	داو	ر
سر	سر	ر	عوع
قعو	داو	دع	٦

ایضا تعویز در حرم بند او غنی بسیار نفع
ایضا این نقش درکلو جاییه بند اوغنی

ام	او	لاع	ع	٢	٨
ح	١	١١	ع١	٣	٨٤
ع١	١٠	هـ	ع	د	حا

ایضا نقش

	ر	ملک	ارکلی	لی	د
	م	ص	٥٢	ما	د
٣	٥	ک	دا	د	د
٥		ک	دا	د	ا

ایضا در بهار کشت دفع بلا جناح تنده جوقی دیلی وکی برای کهیار کشت سفاله آب زنبیده بنویسه در چهار کوشه دفع کند نقش ایدیت

٢و	ع	برع	ده	ماد	٠٨
٥٠		ربلحال	٥	وه لام	١٨٥١
٤ع	٤ع	١٣	ماد	مود	جار ١

ایضا برای دفع دابی این افسون یا جمله یار تحو انداز طرف غروب دم کند و بر خانه کیه این افسون با بند دخل دابی نه الذ الذیت

قرش قرشا جلی و بند تمو سلی انتی زهیا او تاد ایضا برای کرم زراعت زندچهار کوشه نوبه دفع کند ایت ٨ ١١١ ٣٢ ١٩ ١١ ٣ ٥ ١١١ ٢ ٥٥ ٥ ده ایدیا دفع

تا له روز یکشنبه بنویسد در چهار طرف دفن کند ان شاء الله تعالی بیعقد ود فتح تلی و ملخ این تعویذ
بر سفال آب نارسیده در مقام فرود بر د نقش معظم یکی است اول نقش برای تا له و نانیه برای ملخ و موش

رر	۹	۳	۱۸	۲۱	۲۳	۲۵
ر	ر	۶۱	۶۱	الله	۶	۱۲۱۸
ر	ر	۱۷۷	۹۹	۹۱۲	۷	۱۲۱
ر	ر	۶۱	۳	۲	۱	۱۹۹

۶	۹۹
۶	۹۹
۶	۹۹

ایضا برای مواشی اگر
در میان چهار پایان
بختی و مرض افتاده
باشد این تعویذ بنویسد در گلو بسته
بخوراننده خدای تعالی صحت بخشد نقش اگر
دیگر شیخ فرید رحمة الله علیه منقول است
اگر مادگاو را گوساله شیر نه دهد هفت
بار فاتحه و هفت بار آیة الکرسی تا هشت
بار چهار قل به زنگ بخواند خوردنی دهد و اگر

۴	۴	۳	۱۲	۴	۱۲	۲	ل
ه	۲	۱	۱	عو	۶	۱	۱

شیر نه دهد بکیل شیرینی بار دیگر خورد بدهد اگر گاو میش شیر نه دهد این تعویذ بنویسد در گلو بسته و بخوراند ان
الله تعالی شیر بدهد نقش معظم و مکرم است ایضا اگر گاو را نظر باشد باید این اسم الهی بنویسد
و خوراننده اسم الهی این است یا زهار یا حفیظ بنویسد
و خوراننده به شو اگر در حدیث فرمود اگر گاو و یا
میش شیر نه دهد بچه را لت زند این تعویذ بنویسد
خورانند یا در گلو بسته بندد و آن این است
لما یهبط من خشیة الله و ما الله بغافل
عما تعملون ایضا اگر گاو شیر نه دهد
این کلمات بنویسد در آب بشوید و بدهد بالسمه
ما تحمل کل انثی و ما تغیض الارحام و ما
تزداد و کل شیء عنده بمقدار عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال مفاتیح السموات
والارض و هو علی کل شیء قدیر است
ایضا اگر کسی را مار گزیده باشد تا خبر دهنده را بجوانند الرست

رحمته یا لم	اعام اعظم	بحرمت	الهی
رحمته	اعام اعفر	بحرمت	الهی
رحمته یا لم	اعام ملک	بحرمت	الهی
رحمته یا لم	اعام احمد	بحرمت	الهی

ح ۶ ۸ اا ۸ا ۸ا اا ۸ا ا۸ ا۸

حافظ نبی ... اور اکرم

ایضاً اگر کسے را مار گزیده باشد او را بخوانند
الحمد و حافظ نباشد خبر دهند که را بخوانند

	ج	ح	ر
	ل	و	ص
	ی	ط	ر

زهب	

این تعویذ روز یکشنبه نوشته در
کمر بندد و بالا اثر دیگری بندد
دفع شود و اگر کسے را خون بینی
نمی ایستد روان شود تحقیق جیلے بی ایستد این طلسم نوشته بر پیشانی
بندد بفرمان خدا تعالے خون بایستد ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱ احمد

اگر کسے را گفتار نظر کرده باشد و از آن موجب درد دل و جگر باشد بیمار و بیند و هلاکت
غلوله سازد و بر هر غلوله هفت بخواند حسبنا ما حسبنا ابو توما
بخواند و هفت گان بار از کار کار نه توها بخواند بدهد بخواند نیکو شود

ایضاً دفع زهر نمک هفت بار در آتش گرم کرده در آب بیندازد و
بنوشد تا زهر اطلاق خواهد شد و تا زهر دفع خواهد شد فافهم